



فاجعه بزرگ نتیجه غفلت از هشدارهای رهبری است

این روزها و پس از اینکه آمریکاییها آخرین میخها را بر تابوت برجام زدند، عدهای در تلاشند شانه از زیر مسئولیت این فاجعه بزرگ را که ۳ سال و نیم از عمر مهم و تعیین کننده ملت ایران را از بین برد خالی کنند!

این روزها و پس از اینکه آمریکاییها آخرین میخها را بر تابوت برجام زدند، عدهای در تلاشند شانه از زیر مسئولیت این فاجعه بزرگ را که ۳ سال و نیم از عمر مهم و تعیین کننده ملت ایران را از بین برد خالی کنند!

همان جماعتی که تا دیروز برجام را آفتاب تابان و فتیحه بزرگتر از فتح خرمشهر می دانستند و با غرور و نخوت، آن را ثمره کاردانی و تدبیر خود می دانستند، حالا که کار به اینجا رسیده و دستاورد برجام، از تقریباً هیچ به تحقیقاً هیچ تبدیل شده و همه پیش بینی های نخبگان و دلسوزان، مو به مو و واژه به واژه درست از آب در آمده، حالا به جای عذرخواهی از مردم، به دروغ ادعا می کنند که همه جزئیات را با اجازه رهبری طی کرده اند!

اما آیا حقیقت همین است؟! آیا آنگونه که روحانی در دانشگاه تهران ادعا کرد، همه چیز با دستور رهبری پیش رفته؟! اگر چنین است، آن همه هشدار و تذکر رهبری، شروط نه گانه، فرمان ایشان به اجرای متوازن برجام و ... آیا به آنها هم عمل شده یا نه؟! مرور فرمایشات رهبر انقلاب به کشف اینکه ادعاهای امروزی، هیچ نسبتی با واقعیت ندارد کمک می کند. خوشبین نیستیم اما...

رهبر انقلاب در نخستین سال دولت یازدهم صراحتاً تاکید کردند:

«... من به این گفتگوها خوشبین نیستم. چرا؟ چون تجربه های گذشته ما نشان می دهد که گفتگو در منطق حضرات آمریکایی به این معنی نیست که بنشینیم تا به یک راه حل منطقی دست پیدا کنیم - منظورشان از گفتگو این نیست - منظورشان از گفتگو این است که بنشینیم حرف بزیم تا شما نظر ما را قبول کنید! هدف، از اول اعلام شده است؛ باید نظر طرف مقابل قبول شود. لذا ما همیشه اعلام کردیم و گفتیم که این، گفتگو نیست؛ این، تحمیل است و ایران زیر بار تحمیل نمی رود. من به این اظهارات خوشبین نیستم، اما مخالفت هم ندارم (1/1/1392)»

«مذاکره در موضوعات خاص اشکالی ندارد؛ منتها گفتیم من اعتماد ندارم، خوشبین نیستیم به مذاکره، لکن می خواهند مذاکره کنند، بکنند؛ ما هم به اذن الله ضرری نمی کنیم. یک تجربه ای در اختیار ملت ایران است که... این تجربه ظرفیت فکری ملت ما را بالا خواهد برد.» (12/8/1392) «... من البته هیچ وقت نسبت به مذاکره با آمریکا خوشبین نبودم. نه از باب یک توهم بلکه از باب تجربه؛ تجربه کردیم. حالا اگر یک روزی - ما که در آن روز قاعدتاً نخواهیم بود - شماها ان شاء الله در جریان حوادث و جزئیات و یادداشت ها و نوشته های این روزها قرار بگیرید، خواهید دید که این تجربه ما از کجا حاصل شده؛ تجربه کردیم» (1394/01/20)

این صراحت رهبری، گویای عمق نگاه و باور ایشان است و جای هیچ شبهه و تردیدی باقی نمی گذارد. موافقت مشروط

رهبر انقلاب شرطی حیاتی و مهم برای موافقت خود گذاشتند. شرطی که راه ادعاهای بعدی و وادادگی ها به بهانه موافقت ایشان را سد می کند. ایشان در روز انرژی هسته ای در سال 94 تاکید کردند: «با وجود اینکه من خوشبین نبودم به مذاکره با آمریکا، با این مذاکرات موردی، مخالفت نکردم، موافقت کردم؛ از مذاکره کنندگان هم با همه وجود حمایت کردم، الان هم حمایت می کنم. از رسیدن به یک توافقی که منافع ملت ایران را تأمین کند و عزت ملت ایران را حفظ کند، صد درصد من حمایت می کنم و استقبال می کنم؛ این را همه بدانند. اگر کسی بگوید که ما مثلاً با توافق یا با رسیدن به یک نقطه مخالفیم، نه، خلاف حق و خلاف واقع گفته است. اگر یک توافقی انجام بگیرد که این توافق توافقی باشد که منافع ملت را، منافع کشور را تأمین بکند، بنده کاملاً با آن موافقت خواهیم کرد.»

البته این را هم ما گفتیم که توافق نکردن بهتر از توافق بد است - که این حرف را آمریکاییها هم می زنند - این فرمول، فرمول درستی است؛ توافق نکردن از توافق کردنی که در آن، منافع ملت پامال بشود، عزت ملت از بین برود، ملت ایران با این عظمت، تحقیر بشود [بهتر است]. توافق نکردن شرف دارد بر یک چنین توافق کردنی.» (1394/01/20) این بیان به روشنی

نشان از آن دارد که معیار، حفظ منافع ملی است نه هر توافقی و به هر قیمتی!

ضرورت لغو یکباره تحریمها

برخلاف حرفهای امروزین که برجام برای لغو تحریمها نبود(!) و خیلی حرفهای دیگر، رهبر معظم انقلاب، صراحتاً فایده و خاصیت برجام را تنها و تنها لغو تحریمها دانسته بودند و بر این موضوع تأکید فرموده بودند: «در این جزئیات مذاکرات - که خیلی هم این چند ماه آینده مهم است - اتفاقی که باید بیفتد این است که تحریمها به طور کامل و یکجا بایستی لغو بشود. اینکه یکی از آنها می‌گوید تحریمها شش ماه دیگر لغو می‌شود، یکی می‌گوید نه ممکن است یک سال هم طول بکشد، یکی دیگر می‌گوید ممکن است از یک سال هم بیشتر بشود، اینها بازبهای متعارف معمول اینها است؛ اینها هیچ قابل اعتناء و قابل قبول نیست؛ تحریمها بایستی - اگر چنانچه حالا خدای متعال مقدر فرموده بود و توانستند به یک توافقی برسند - در همان روز توافق به طور کامل لغو بشود؛ این باید اتفاق بیفتد. اگر قرار باشد که لغو تحریمها باز متوقف بشود بر یک فرایند دیگری، پس چرا ما اصلاً مذاکره کردیم؟ اصلاً مذاکره و نشستن پشت میز مذاکره و بحث کردن و بگومگو کردن برای چه بود؟ برای همین بود که تحریمها برداشته بشود؛ این را باز بخواهند متوقف کنند به یک چیز دیگری، اصلاً قابل قبول نیست.» (1394/01/20)

صنعت هسته‌ای را

حفظ کنید!

امروز بر کسی پوشیده نیست که از صنعت هسته‌ای، چیز چندانی باقی نمانده! پر کردن قلب راکتور با سیمان، جمع کردن سریع آبشار سانتریفیوژها، از دست دادن اورانیوم و آب سنگین و ... همه و همه، ثمر و دستاورد برجام بوده و کسی نمی‌تواند آن را انکار کند. آیا رهبر انقلاب اینها را خواسته بودند؟! ایشان در این باره فرموده بودند: «صنعت هسته‌ای برای یک کشور، یک ضرورت است... اینک بعضی از روشنفکرانها قلم بردارند و قلم بزنند که «آقا ما صنعت هسته‌ای را می‌خواهیم چه کار کنیم» این فریب است؛ این شبیه همان حرفی است که زمان قاجارها وقتی نفت کشف شده بود و انگلیسها آمده بودند می‌خواستند نفت را ببرند، اینجا دولتمرد قاجاری می‌گفت ما این ماده بدبوی عفن را می‌خواهیم چه کار کنیم، بگذارید بردارند ببرند! این شبیه آن است. صنعت هسته‌ای برای یک کشور یک ضرورت است؛ هم برای انرژی، هم برای داروهای هسته‌ای که بسیار مهم است، هم برای تبدیل آب دریا به آب شیرین، و هم برای بسیاری از نیازهای دیگر در زمینه‌ی کشاورزی و غیر کشاورزی. صنعت هسته‌ای در دنیا، یک صنعت پیشرفته است، یک صنعت مهم است؛ این را هم بچه‌های ما خودشان به دست آوردند؛ این انفجار ظرفیت‌های درونی و استعدادهای درونی بچه‌های ما بود... دستاورد هسته‌ای، بسیار مهم است و دنبال کردن این صنعت و صنعتی کردن کشور، بسیار چیز لازمی است؛ بایستی این مورد توجه باشد» (1394/01/20)

پاسخ به دروغ بزرگ!

اکنون ادعا می‌شود همه جزئیات مذاکرات با رهبر عزیز انقلاب هماهنگ می‌شده و طبق نظر ایشان کار انجام شده است! این ادعای کذب حالا مطرح می‌شود که تشت رسوایی برجام بر زمین افتاده و باید برای آن دنبال شریک جرم و حتی آمر گشت! احتمال دارد مدتی بعد برخی مقامات دولتی سخنانی کنند و بگویند ما اصلاً دنبال مذاکره و برجام نبودیم! به اصرار و دستور رهبری رفتیم و اینکار را کردیم!

اما حقیقت آن است که رهبر انقلاب این روزها را پیش‌بینی می‌کردند و به این ادعای کذب قبلاً پاسخ داده بودند: «آیا جزئیات مذاکرات هسته‌ای تحت نظر رهبری است؟

بنده در جزئیات مذاکره دخالتی نکردم، باز هم نمی‌کنم؛ من مسائل کلان، خطوط اصلی، چهارچوب‌های مهم و خط قرمزها را به مسئولین کشور همواره گفته‌ام؛ عمدتاً به رئیس‌جمهور محترم که ما با ایشان جلسات مرتب داریم، و موارد معدودی هم به وزیر محترم خارجه؛ خطوط اصلی و کلی. جزئیات کار، خصوصیات کوچک که تأثیری در تأمین آن خطوط کلان ندارد، مورد توجه نیست؛ اینها در اختیار آنها است، می‌توانند بروند کار کنند. اینکه حالا گفته بشود که جزئیات این مذاکرات تحت نظر رهبری است، این حرف دقیقی نیست.» (1394/01/20)

شروط حیاتی و مهمی که دیده نشد!

از همه آنچه گفتیم مهم‌تر، شروط نه گانه‌ای بود که رهبر معظم انقلاب درباره برجام معین کرده و خواستار رعایت دقیق و مو به موی آن شدند. آیا آنان که به دروغ ادعا می‌کنند همه چیز با رهبری هماهنگ شده، این نامه را فراموش کردند و آیا ادعا می‌کنند این شروط رعایت شده؟! با خواندن فهرست وار این شروط نه گانه خواهید دانست که هیچ‌یک از آنها جامه عمل نپوشید و اتفاقاً فاجعه برجام دقیقاً در اثر نافرمانی از این فرامین روشنگر بود! به بخش‌هایی از این نامه تاریخی توجه کنید:

نقاط ابهام و ضعف‌های متعدد

«چگونگی رفتار و گفتار دولت آمریکا در مسئله هسته‌ای و مذاکرات طولانی و ملال‌آور آن، نشان داد که این نیز یکی از حلقه‌های زنجیره دشمنی عنادآمیز آنان با جمهوری اسلامی است. فریب‌کاری آنان در دوگانگی میان اظهارات اولیه آنان که با نیت قبول مذاکره مستقیم از سوی ایران انجام می‌شد، با نقض عهدهای مکرر آنان در طول مذاکرات دوساله و همراهی آنان با خواسته‌های رژیم صهیونیستی و دیپلماسی زورگویانه آنان در رابطه با دولت‌ها و مؤسسات اروپایی دخیل در مذاکرات، همه نشان‌دهنده آن است که ورود فریب‌کارانه آمریکا در مذاکرات هسته‌ای، نه با نیت حل‌وفصل عادلانه، که با غرض

پیشبرد هدف‌های خصمانه خود درباره جمهوری اسلامی صورت گرفته است. ... محصول مذاکرات که در قالب برجام شکل گرفته است، دچار نقاط ابهام و ضعف‌های ساختاری و موارد متعددی است که در صورت فقدان مراقبت دقیق و لحظه‌به‌لحظه، می‌تواند به خسارت‌های بزرگی برای حال و آینده کشور منتهی شود.»
تضمین بگیرید!

«از آنجا که پذیرش مذاکرات از سوی ایران اساساً با هدف لغو تحریم‌های ظالمانه اقتصادی و مالی صورت گرفته است و اجرائی شدن آن در برجام به بعد از اقدام‌های ایران موقوف گردیده، لازم است تضمین‌های قوی و کافی برای جلوگیری از تخلف طرف‌های مقابل، تدارک شود، که از جمله آن اعلام کتبی رئیس‌جمهور آمریکا و اتحادیه اروپا مبنی بر لغو تحریم‌ها است. در اعلام اتحادیه اروپا و رئیس‌جمهور آمریکا، باید تصریح شود که این تحریم‌ها به‌کلی برداشته شده است. هرگونه اظهار مبنی بر این‌که ساختار تحریم‌ها باقی خواهد ماند، به‌منزله نقض برجام است.»
اول قرارداد بعد نابودی!

«اقدام در مورد نوسازی کارخانه اراک با حفظ هویت سنگین آن، تنها در صورتی آغاز خواهد شد که قرارداد قطعی و مطمئن درباره طرح جایگزین و تضمین کافی برای اجرای آن منعقد شده باشد.» اکنون مدت‌هاست کارخانه اراک نابود شده و هیچ قرار داد قطعی بین ایران و 1+5 وجود ندارد! کاش تنها و تنها به همین یک بند توجه می‌شد
پایپای معامله کنید!

«معامله اورانیوم غنی‌شده موجود در برابر کیک زرد با دولت خارجی در صورتی آغاز خواهد شد که قرارداد مطمئن در این باره همراه با تضمین کافی منعقد شده باشد. معامله و تبادل مزبور، باید به‌تدریج و در دفعات متعدد باشد.» حالا مدت‌ها از انتقال بیش از ده تن اورانیوم غنی شده به ارزش میلیاردها دلار می‌گذرد، اما هنوز گرمی کیک زرد وارد کشور نشده است!
چون قرار دادی در کار نیست!

اینها بخشی از شروط مهم رهبر انقلاب بود. آیا این موارد اجرایی شد؟! آیا این موارد جزء آنچه که ایشان دستور داده‌اند نیست؟! آیا کسانی که مدعی «سمعا و طاعتا» گفتن به رهبر انقلابند، در برابر این هشدارهای مهم و تعیین‌کننده هم سمعا و طاعتا گفتند؟! یا نه آشکارا و بی‌هیچ پروایی، حتی یک مورد از آن را اجرا نکردند؟!
برای مردم پوشیده و پنهان نیست که سند برجام، با هشدارهای رهبر انقلاب و صرفاً برای کسب تجربه‌ای تاریخی و البته بسیار تلخ و گران، از سوی رهبر انقلاب اجازه داده شد و در مسیر تهیه سند و اجرای آن، توصیه‌های ایشان یکی پس از دیگری نادیده گرفته شد.